

جایگاه بندر چابهار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
قاسم اربابی^۱ - رحمت حاجی مینه^۲ - یاسر کهرازه^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸

چکیده:

امروزه نقش بندر به عنوان همه‌گیرترین راه ترانزیت تجاری از اهمیت شایانی در مناسبات سیاست خارجی کشورها در جهان سیاست برخوردار شده است و کشور ایران نیز از این مهم مستثنی نیست. بر این اساس این پژوهش با هدف ارزیابی و تحلیل ظرفیت‌ها و تاثیر بندر چابهار در اتخاذ رویکردهای سیاسی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل انجام شده است ضمن اینکه فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو را از منظر ژئوپلیتیک انتقادی تبیین می‌نماید. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و با تاکید و استناد به گزارش‌ها و اسناد سیاسی و تجاری می‌باشد. داده‌های این پژوهش حاکی از آن است یکی از اساسی‌ترین معیارهای مناسبات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی کشور ایران در خصوص کشورهایی چون پاکستان، هند، چین و افغانستان بر اساس سیاست‌های توسعه‌ای بندر چابهار تبیین می‌گردد. **واژگان کلیدی:** بندر چابهار، سیاست خارجی، روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک انتقادی، منطقه-گرایی

JPIR-2012-1655

۱- دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی (مسائل ایران)، گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران
۲- استادیار روابط بین‌الملل، گروه ارتباطات و علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول
hajrahmat@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

مقدمه

نیازمندی‌های رو به رشد انرژی در آسیا از جمله چین و هند و جنوب شرق آسیا این واقعیات را می‌رساند که آنها مجبورند برای دسترسی به منابع خاورمیانه رقابت نمایند، این آمار و فاصله‌ی کوتاه و رقابت میان همسایگان، منجر به تغییرات مهمی در الگوهای دیپلماسی و روابط امنیتی در منطقه خواهد شد. (کمپ و هارکوی، ۱۳۸۴: ۴)

منطقه‌ی مکران به‌ویژه بندر چابهار با دارا بودن پتانسیل‌های فوق‌العاده چون ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات، بازرگانی منطقه‌ای و بین‌المللی، جزو واحدهای کارکردی تولیدکننده‌ی قدرت در کشور است که تاکنون بهره‌برداری لازم از ظرفیت‌های آن صورت نگرفته و توسعه نیافته باقی مانده است. چابهار توانایی آن را دارد که ۱/۵ میلیارد جمعیت آسیا-اروپا را از طریق شبکه‌های ریلی، جاده‌های هوایی و دریایی به یکدیگر برساند. نقشی که نظام برای چابهار و سواحل مکران به عنوان موتور محرکه جدید اقتصادی کشور تعریف کرده است را باید به ساختاری رساند که این منطقه‌ی راهبردی و منحصر به فرد از منظرهای مختلف به ویژه در مقایسه با گوادر به عنوان یکی از ۱۴ نقطه‌ی استراتژیک جهان به عنوان مرکز اقتصادی کشور مشابه شانگهای در چین-استانبول در ترکیه-کراچی در پاکستان- بمبئی در هند-دوبی در امارات و غیره تبدیل کند.

موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران به عنوان پل ارتباطی آسیا-اروپا و شمال-جنوب، نقش کلیدی و مهمی را در مناسبات سیاسی و توازن قدرت در منطقه برای کشورمان فراهم نموده است. در این میان، بنادر جمهوری اسلامی ایران نقش بی‌بدیلی را در تثبیت و تقویت جایگاه ایران به عنوان محور اساسی و تعیین کننده در تحولات اقتصادی و سیاسی در منطقه و همچنین پل ارتباطی آسیا-اروپا و کریدور شمال-جنوب از طریق ارائه خدمات حمل و نقل و انتقال کالا بر عهده داشته‌اند که در این میان بندر چابهار به دلیل منتفع بودن از موقعیت خاص در ناحیه شرق تنگه هرمز و دریای عمان و همچنین قرار گرفتن در مسیر خطوط اصلی کشتیرانی به آفریقا، آسیا و اروپا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ضمن آنکه این بندر به عنوان کوتاه‌ترین راه ارتباطی و ترانزیتی کشورهای آسیای میانه و افغانستان به بازارهای خلیج فارس، شرق آفریقا و دیگر نقاط جهان مطرح بوده، از این رو توسعه این بندر و منطقه آزاد تجاری در این منطقه نیز در همین راستا صورت می‌گیرد.

بر این اساس در تحقیق حاضر براساس رویکردهای تحلیلی ژئوپلیتیک انتقادی، ضمن تبیین ظرفیت‌های راهبردی بندر چابهار در تبیین رویکرد سیاست خارجی ایران، به تحلیل ابعاد

همگرایی و یا واگرایی مناسبات کشور ایران با کشورهای منطقه بر اساس فرصت‌ها و چالش‌هایی پیش‌رو می‌پردازیم.

روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش اسنادی تدوین شده است. در روش اسنادی که روشی کیفی است پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش اقدام کند. برای گردآوری اطلاعات، به منظور پاسخگویی به سؤال تحقیق و ارزیابی فرضیه از روش‌های زیر استفاده شده است:

۱. روش کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی: برای مطالعه پیشینه موضوع و تهیه مباحث نظری و غیره.

۲. روش اسنادی و آرشیو: جهت تهیه اطلاعات مربوط به مؤلفه‌های ژئوپلیتیک انتقادی

چارچوب نظری

مفهوم ژئوپلیتیک که در طی قرن بیستم جهت معنا بخشیدن به ارتباط میان جغرافیا و سیاست، مراحل مختلفی را طی نموده است در طی دوره‌های متمایز قابل بررسی می‌باشد. نظریه‌پردازان در طی این دوره‌های متمایز سعی نموده‌اند دگرگونی در ساختار نظام جهانی را تبیین نموده، ضمن طرح عوامل مؤثر در دگرگونی نظام جهانی، جهت‌گیری‌های آینده این نظام را نیز تحلیل نمایند. در این دوره‌های متمایز، مفهوم ژئوپلیتیک در قالب سنتی به عنوان بخشی از دانش امپریالیستی که با رابطه بین زمین و سیاست سروکار دارد مورد بررسی ژئوپلیسین‌ها قرار گرفت. ارتباط بین ویرانی‌های ناشی از جنگ‌های جهانی با مفهوم ژئوپلیتیک منجر به آن شد که این واژه برای یک تا دو دهه مورد استفاده قرار نگیرد. نتیجه این افول، جدا شدن جغرافیای سیاسی از ژئوپلیتیک بود. در دوران جنگ سرد، ژئوپلیتیک تحت تأثیر رقابت دو ابرقدرت قرار گرفت و در سال ۱۹۷۵ در پی پیدایش نظریه‌های تازه‌ای با عنوان ژئوپلیتیک انتقادی، مفهوم ژئوپلیتیک دارای اهمیت شد. (احمدی پور، بدیعی، ۱۳۸۱: ۱)

در اواخر دهه ۱۹۷۰ به دنبال ظهور دیدگاه ژئوپلیتیک انتقادی، ژئوپلیتیک احیا گردید. محققانی که برای اولین بار با این دیدگاه مواجه شده بودند تا حدی مشوش بودند که چه کسی یا چه چیزی مورد انتقاد خواهد بود و چرا. ریشه‌های ژئوپلیتیک انتقادی را باید در نهضت فرا-ساختاری جستجو کرد. این نهضت در دهه ۱۹۶۰ در فرانسه قدرت گرفته و از حیث ماهیت

انشعابی از ژئوپلیتیک سنتی بوده که به جای تاکید بر شناخت تأثیر عوامل جغرافیایی، به ساختار و نقش اساسی سیاست خارجی توجه نشان می‌دهد. (Muir.1997:215)

ژئوپلیتیک انتقادی در ارتباط با چگونگی ورود استدلال ژئوپلیتیکی به مباحث سیاسی است و هدف از این ورود، برقراری مناسبات اجتماعی سیاسی مسلط در درون سیاست‌های بین‌المللی معاصر است. اهمیت این موضوع بدان جهت است که به مدون کردن حلقه‌های بین شرایط مادی منغیر در اقتصاد جهانی و خلق یک ژئوپلیتیک جهانی کمک می‌کند و سبب حفظ و تداوم یا تغییر ساختارهای موجود در نحوه تعیین امتیازهای مادی می‌شود. (احمدی پور، بدیعی، ۱۳۸۱: ۴)

همانگونه که بیان شد یکی از اهداف ژئوپلیتیک انتقادی، تحلیل کشورداری یا سیاست خارجی است. در پژوهش حاضر نیز بر اساس رویکرد ژئوپلیتیک انتقادی به بررسی تأثیر بندر چابهار در سیاست خارجی ایران خواهیم پرداخت. بر این اساس کد ژئوپلیتیک به عنوان مجموعه‌ای از فرضیات استراتژیک که یک دولت بر اساس آن به تنظیم سیاست خارجی خود با دیگر کشورها می‌پردازد یکی از مصادیق استدلال ژئوپلیتیک است و به عنوان محصول استدلال ژئوپلیتیک عملی که یکی از حوزه‌های پژوهش ژئوپلیتیک انتقادی است قابل بررسی می‌باشد. مطالعه ژئوپلیتیک انتقادی در آشکارسازی استدلال‌ات و فرضیات سیاست‌گذاران و ساخت کدهای ژئوپلیتیک که به عنوان پایه و اساس و توجیهی برای کنش‌های سیاست خارجی عمل می‌کنند (Braden.2000: 38) مفید می‌باشد. این مفهوم رابطه تنگاتنگی با مفهوم بینش ژئوپلیتیک دارد که ریشه در ژئوپلیتیک انتقادی داشته و در متن و بافت فضای اجتماعی قابل درک است.

اهمیت بندر چابهار

- اهمیت ژئواکونمیک:

کشورهای موفق در اقتصاد جهانی، همواره از یک اسلوب پیروی کرده‌اند و آن، تعامل و توسعه روابط دو جانبه با کشورهای همسایه است. اگرچه کشورهای جنوب شرق آسیا که در اقتصاد به بهره‌های آسیا معروف هستند، به خوبی از این الگو برای رشد و تعالی اقتصاد خود بهره برده‌اند اما متأسفانه کشورهای پاکستان، ایران، هندوستان و افغانستان که در همسایگی یکدیگر هستند و از ظرفیت بالایی در بخش‌های مختلف اقتصادی بهره دارند، نتوانسته‌اند روابط دوجانبه و چندجانبه اقتصادی میان خود را توسعه دهند.

جمهوری اسلامی ایران با ۱۵ کشور همسایه است و بر همین اساس در صدد است ضمن

شناسایی نیازهای کالایی این کشورها، از همه ظرفیت‌های خود از جمله ظرفیت‌های ترانزیتی موجود در بندر چابهار برای توسعه صادرات و تنظیم مبادلات تجاری با همسایگان با محوریت استان‌های مرزی بهره‌بردار. هم‌اکنون ۵۴ درصد صادرات غیر نفتی از جمهوری اسلامی ایران به کشورهای همسایه صورت می‌گیرد و برای توسعه صادرات از ظرفیت‌های بازاریابی و معرفی کالاهای ایرانی اقدامات بهتری باید صورت پذیرد. از سویی دیگر نزدیکی‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی که تا حد زیادی همسان‌سازی و شباهت در تقاضای کالا و خدمات را به دنبال داشته و از سوی دیگر مجاورت جغرافیایی که ضمن کاهش هزینه‌های حمل و نقل، رقابت‌پذیری کالاها را افزایش می‌دهد از جمله محاسن تجارت با کشورهای همسایه است.

بندر چابهار و منطقه مکران با توجه به آنکه از لحاظ اقتصادی و نقش پر اهمیتی که در حوزه حمل و نقل بین‌المللی و امنیت ملی ایران داشته و دارد، شایسته نگاه ویژه‌ای است. این بندر با توجه به تاثیرگذاری خود، از سال ۱۹۹۲ به بندر آزاد تجاری معرفی گردیده است. (کیانی مقدم، ۱۳۹۱: ۲) موقعیت جغرافیایی خاص این بندر که در شرق تنگه هرمز و دریای عمان و در راستای خطوط مهم کشتیرانی به آفریقا، آسیا و اروپا واقع شده موجب نگاه ویژه‌ای به آن از سوی سرمایه‌گذاران شده است. چرا که بندر چابهار به عنوان کوتاه‌ترین راه ارتباطی و تجاری و حلقه وصل کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان به بازارهای خلیج فارس، شرق آفریقا و دیگر نقاط بوده و به تعبیری چابهار دروازه ترانزیت کالا است. (امیری، ۱۳۹۰: ۷۶-۸۵) چابهار به دلیل موقعیات راهبردی، که نزدیکترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان به آب‌های آزاد از طریق محور ترانزیتی شرق کشور «چابهار-میلک» از اهمیت فراوانی برخوردار است. (عزتی و شکری، ۱۳۹۱: ۳) از این‌رو مورد توجه مسئولان نظام در سطح کلان نیز بوده است و در این راستا رهبر معظم انقلاب فرمودند: «سواحل مکران گنجی فراموش شده است که بایستی هرچه سریعتر از ظرفیت‌ها و مواهب موجود در آن بهره‌بردار و زیرساخت‌های لازم برای این امر به وجود آید». (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳)

اهمیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی:

یکی از سیاست‌های کارآمد و راهبردی برای پیشرفت اقتصادی و کسب امتیاز در صحنه رقابت اقتصاد جهانی، از تلاقی دو حوزه اقتصاد و سیاست خارجی با عنوان «دیپلماسی اقتصادی» حاصل می‌شود. برخی در تعریف دیپلماسی اقتصادی آورده‌اند: "دیپلماسی اقتصادی به مفهوم کارکردی کردن دیپلماسی در عرصه اقتصاد و به کارگیری توانایی‌های بالقوه و بالفعل

دیپلماسی برای تحقق اهداف اقتصادی کشورها است." (طباطبائی، ۱۳۸۸: ۲). مهم‌ترین الویت‌ها و اهداف دیپلماسی اقتصادی به ویژه برای کشورهای در حال توسعه، تسهیل فضای کسب و کار تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توریسم، بهبود تصویر کشور، دستیابی به تکنولوژی و علم (Naray, 2008)، دسترسی به بازارهای جهانی و در نهایت حفظ اقتصاد ملی و اقتدار بین‌المللی است. در حقیقت دیپلماسی اقتصادی، منافع اقتصادی دولت‌ها را در خارج از کشور و در اقتصاد جهانی گسترش می‌دهد و ضمن استفاده از ابزارهای مختلف در جهت دستیابی به منافع اقتصادی، پیوندی بین قدرت و رفاه ایجاد می‌کند. (موسوی شفائی، ۱۳۹۵: ۴۵) بنابراین صحنه روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که در فرآیند جهانی شدن و منطقه‌گرایی، عنصر اقتصادی و تجاری به عاملی تعیین کننده در روابط بین‌الملل تبدیل گردیده و کشورها بیش از گذشته سیاست خارجی خود را اقتصادمحور کرده‌اند.

ایران با قرار گرفتن در جنوب غربی آسیا دارای یک موقعیت ممتاز استراتژیک برای تأمین انرژی دیگر کشورها، به طور شاخصی در کانون توجه جهانی قرار گرفته و نقش ویژه‌ای به ظرفیت موجود ایران جهت تأمین انرژی کشورهای مختلف بخشیده است. (زارع نیستانک، ۱۳۹۵: ۵۲۵) بر این اساس باید گفت ایران در نقطه اتصال دو قاره آسیا و اروپا و در نزدیکی قاره آفریقا قرار گرفته است و مناطق آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه را به شبه قاره هند، جنوب آسیا، آسیای جنوب شرقی و کشورهای عربی جنوب خلیج فارس متصل می‌کند و با پانزده کشور همسایگی دارد. بنابراین در صورت توسعه ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی کشور می‌توان امید داشت که کمک زیادی در راستای صادرات کالای تولید داخل شود و توجه به صادرات غیر نفتی افزایش پیدا کند؛ در واقع، افزایش صادرات به تنهایی نمی‌تواند از آسیب‌پذیری کشور جلوگیری کند، بلکه در کنار افزایش صادرات، تنوع بخشی به صادرات و تنوع به مقاصد صادراتی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع، این تنوع بخشی به محصولات صادراتی، مقاصد صادراتی و مشتری‌ها برای کالاهای ایرانی به منظور کاهش آسیب‌پذیری در مقابل تحریم‌ها امری لازم و ضروری است. (همان: ۵۲۶)

مساله اساسی که اهمیت استراتژیک بندر چابهار و منطقه مکران را در معادلات ژئوپلیتیک دو چندان می‌کند تاثیر سیاست‌های آمریکا می‌باشد. ایالات متحده، به عنوان یکی از ابرقدرت‌های دریایی، با اطلاق عنوان «هندوپاسفیک» به منطقه مهم شرق آسیا، کشور در حال رشد هند را نیز به لحاظ مفهومی به گستره امنیتی این منطقه اضافه نموده و تلاش می‌کند تا از این رهگذر، تسلط امنیتی خود در راستای در دستیابی به آب‌های آزاد اقیانوس هند، در برابر

قدرت دریایی رقیب اقتصادی خود، چین افزایش دهد. (Nye,2017) چنان که رابرت کاپلان استدلال می‌کند در صورتی که ایران و هند در توسعه بندر چابهار به دستاورد مطلوب خود برسند، بندر گوادر و کریدور چین و پاکستان و نیز منافع این دو کشور در آسیای مرکزی و افغانستان را به چالش خواهند کشید. (Kaplan,2017:24)

این در حالی است که قابلیت‌های عمده بنادر گوادر و چابهار و شرایط فیزیکی مناسب خلیج فارس ایران و پاکستان را وارد عرصه رقابت کرده است. (محمدی، ۱۳۸۵:۳۰۱) بنابراین یکی از کارکردهای متغیر دیپلماسی اقتصادی، ظرفیت‌سازی برای تجارت است که شامل استفاده از نفوذ و روابط سیاسی برای تحت تاثیر قرار دادن جریان تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی است. ایران به عنوان یکی از کشورهای تاثیرگذار در منطقه غرب آسیا، دارای مرزهای مشترک، اشتراکات دینی و مذهبی، اشتراکات فرهنگی و آداب و رسوم مشترک با برخی از کشورها بوده و به دلیل مرزهای مشترک و نزدیکی فرهنگی و دینی میان کشورهای منطقه، هزینه‌های تجارت (صادرات و واردات) می‌تواند برای این کشور نسبت به سایر کشورها پایین‌تر باشد. در همین جهت، گسترش دیپلماسی اقتصادی با همسایگان و جهان، نیاز و اقدامی موثر در راستای افزایش رشد صادرات و مقاوم کردن اقتصاد ایران می‌باشد که سیاستمداران آن به دنبال این هدف می‌باشند.

- اهمیت ژئوکالچر:

از لحاظ فرهنگی، دو کشور ایران و کشورهای منطقه دارای اشتراکات فرهنگی فراوانی‌اند. علاقه مردم کشورهای منطقه خصوصا افغانستان و پاکستان به مردم ایران جزء لاینفک زمینه فکری و تاریخی مردم این مناطق است و به همین دلیل، کشوری چون پاکستان از بدو استقلال، توسعه روابط فرهنگی با ایران را سرفصل برنامه‌های خارجی خویش قرار داده است. بخشی از این اشتراکات فرهنگی به قومیت‌ها و نوع ارتباط‌های تاریخی باز می‌گردد. پراکنش اقوام بلوچ در سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان می‌تواند عواملی برای پیشرفت مناطق حاشیه‌ای سه کشور باشد. (نظیف‌کار و نوروزی:۱۳۸۲:۱۸۸) بخشی دیگر از اشتراکات فرهنگی حول تاریخ و ادبیات دیرینه دو کشور است. در اهمیت و میزان رواج زبان فارسی در شبه قاره همین بس که علامه اقبال لاهوری دوازده هزار بیت به اردو و ده هزار بیت شعر به فارسی سروده است. هم-چنین که در طی سالهای اخیر برگزاری کنفرانس علامه لاهوری در موسسه مطالعات بین-المللی و سیاسی تهران نشان از اهمیت روابط فرهنگی دو کشور است.

جایگاه بنادر بر سیاست خارجی ایران

موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که در چهارراهی جهانی قرار گرفته است که می‌تواند قاره‌ها را به یکدیگر وصل کند. راه ابریشمی که در قدیم وجود داشت، به دلیل همین جایگاه منحصر به فرد کشور ما بود. در ایران سه نوع ساحل وجود دارد: یکی ساحل دریای خزر، دومی ساحل خلیج فارس و سومی سواحل دریای عمان. سواحل دریای عمان در واقع سواحل جنوب شرق بندرعباس تا آخرین بندر در مرز ایران و پاکستان را شامل می‌شود. ساحل مکران مهمترین ساحل کشور است، زیرا از آنجا مستقیم به دریای آزاد راه داریم. سواحل مکران دروازه طلایی ورود به آب‌های آزاد جهان است که خیلی از کشورها آرزوی داشتن چنین سواحلی را با چنین موقعیتی دارند. سواحل ایران، به دلیل موقعیت و ویژگی‌های استراتژیک آن از اهمیت زیادی برخوردار است به طوری که این سواحل دارای قابلیت‌ها و توانمندی‌های ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی مهمی است. لکن در طی دهه‌های اخیر به دلیل تمرکز بیشتر بر بنادر و سواحل خلیج فارس دیگر سواحل از جمله سواحل دریای عمان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. حال آنکه توسعه آینده کشور و به ویژه در نیمه شرقی تا حد زیادی به موقعیت‌های جغرافیایی و ساحلی دریای عمان وابسته و منوط به طراحی و برنامه‌ریزی سیاست‌های کارآمد و بهره‌گیری بهینه از کارکردهای منطقه می‌باشد. ایران با موقعیت ممتاز استراتژیک خود و همچنین با قرار گرفتن در محور جنوب غربی آسیا این توانایی را دارد نقش اساسی را در تأمین انرژی دیگر کشورها ایفا کند. از این رو در سالهای اخیر، به‌طور ویژه‌ای در کانون توجهات جامعه جهانی قرار گرفته است و این موقعیت، نقش ممتازی به ظرفیت‌های ژئوپلیتیک ایران با هدف تأمین انرژی کشورهای منطقه و جهان داده است. (زارع نیستانک، ۱۳۹۵: ۵۲۵)

به بیانی دیگر، ایران به دلیل دارا بودن منابع غنی نفت و گاز و همچنین نزدیکی جغرافیایی به تنگه استراتژیک هرمز و دسترسی به دریا‌های آزاد و سواحل ایده‌آل جهت تاسیس بنادر و سکوه‌های نفت و گاز ... جایگاه انحصاری ویژه‌ای در تأمین نفت و به ویژه گاز برای مصرف کشورهای آسیایی در مقایسه با دیگر کشورهای رقیب یعنی ترکمنستان، قطر و روسیه برخوردار است. علاوه بر این با وجود برخی سواحل صخره‌ای، نوع، شکل و ویژگی‌های بیشتر سواحل به نحوی است که برای ایجاد بنادر و پایگاه‌های نظامی ساحلی مناسب می‌باشد. (زرقانی و همکار، ۱۳۹۱: ۱)

نقش بندر چابهار در سیاست خارجی ایران

- موقعیت لجستیکی مناسب:

موقعیت لجستیکی منحصر به فرد بندر چابهار در کرانه خلیج چابهار که قابلیت دسترسی و ارتفاع همزمان از سواحل اقیانوسی و سواحل حاشیه خلیج را مهیا کرده است، این بندر را در موقعیت ممتاز رشد بالقوه و توسعه روز افزون قرار داده است.

نزدیکی و دسترسی منطقه آزاد چابهار به آسیای مرکزی، شبه قاره هند و کشورهای خلیج فارس، با جمعیتی بیش از ۲۰ درصد جهان، (بالغ بر یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر) از ویژگی‌های قابل تأمل موقعیت جنوب خاوری کشور است. به طور که کشورهای آسیای میانه، در حداقل میزان تخمین ۱۷/۲ و در بیشترین آن ۴۹/۷ میلیارد بشکه ذخایر شناخته شده و همچنین با پنج درصد از کل میزان ذخایر جهانی نفت و همچنین ۶/۶۵ تریلیارد مترمکعب و به عبارتی ۳/۸ درصد از میزان کل ذخایر جهانی گاز را در خود دارد.

همچنین که این بندر با قرار گرفتن در دیگر مسیرهای منتهی به سراسر آسیای جنوبی و جنوب خاوری و جنوب شرقی اروپا دارای موقعیت ممتازی است که روزانه مبادله میلیون‌ها بشکه نفت، و حجم کلانی از کالا و سرمایه از این راه گویای اهمیت این محور موصولاتی است. چابهار بی‌گمان عهده‌دار نظم ژئوپلیتیکی و نظامی دریایی ویژه‌ای است و گذشته از اهمیتی که در زمینه‌ی امنیت داخلی و تحرکات کشورهای همسایه دارد، منافع ایران را در اقیانوس هند و دریای عمان و حتی خلیج فارس حفظ می‌کند.

از سوی دیگر موقعیت جغرافیایی ویژه ایران میان خلیج فارس و دریای مازندران و این حقیقت که ایران توان پیوند دادن ژرفای ژئوپلیتیک شمالی و ژرفای ژئوپلیتیکی جنوبیش را دارد، به ایران اجازه می‌دهد در راستای عملی کردن چنین پیوندی و جلوه‌گر ساختن هارتلند تازه در ژئوپلیتیک پست مدرن، برخی از بندرهای فراوانش در خلیج فارس و دریای عمان را در چارچوب حاکمیت ملی و زیر پوشش قوانین خود در اختیار هر یک از کشورهای محصور در خشکی منطقه‌ی خزر- آسیای مرکزی بگذارد. چنین کاری نه تنها موقع جغرافیایی استثنایی ایران را به موقع ژئوپلیتیک استثنایی در نظام ژئوپلیتیکی تبدیل خواهد کرد، بلکه کشورهای منطقه خزر- آسیای مرکزی از دسترسی مستقیم و آسان به راه‌های بازرگانی بین‌المللی جنوب برخوردار خواهد ساخت. (مجتهد زاده، ۱۳۸۷: ۲۸۶-۲۸۵)

- بندر چابهار و تحریم‌ها:

در شرایطی که تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران تمامی سیاست‌ها

و تعاملات منطقه‌ای و جهانی ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است، سرانجام و فرجام چابهار نیز تا اندازه بسیاری در گرو آن قرار گرفته است. به‌طوری‌که، بسیاری از بازیگران همراهی و عدم همراهی و سطح همکاری‌هایشان تابعی از فشارهای آمریکایی علیه جمهوری اسلامی ایران است. بندر چابهار نخستین بندر ژرف‌آبی ایران است و بنداری که دارای این خصیصه هستند در صنعت حمل و نقل جهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و می‌توانند میزبان کشتی‌های عظیم باربری باشند. ایران در حال حاضر با تکیه بر ساخت زیرساخت برای بندر چابهار سعی در ورود به جرگه کشورهای دارای چنین امکانی است. اما تا آن زمان ایران متکی به بنادر کشورهای حوزه خلیج فارس به‌خصوص امارات متحده عربی است؛ در شرایطی که روابط ایران و امارات متحده در سال‌های اخیر با افت و خیزهای بسیاری همراه بوده، این زنه‌ار را برای سیاست-گذاران ایرانی جدی‌تر کرده است. جایگیری امارات متحده عربی در ائتلاف سعودی علیه ایران و عرض‌اندام امارات در جریان تحولات اخیر منطقه گواه آن است که ایران باید تا حد ممکن اتکا خود را نسبت به این کشورها به حداقل برساند و روابط را بر مبنای نیاز فوری و حیاتی خویش با کشورهای حوزه خلیج فارس پیش نبرد؛ چرا که در بزنگاه‌های مختلف این کشورها نشان داده‌اند وابسته به روند تحولات جهانی می‌توانند هزینه‌های متناهی را برای جمهوری اسلامی ایجاد نمایند. از این‌رو، چابهار برای ایران جدا از مزیت‌های راهبردی و اقتصادی به‌معنای عبور از این تنگناست.

پیشرفت و توسعه بندر چابهار به معنای شکست پروژه تحریم‌های نفس‌گیر آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش علیه ایران است. از این‌رو، با توجه به حمایت و علاقه کشورهای آسیای مرکزی، افغانستان و هند برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های بندر چابهار می‌توان نسبت به آینده امیدوار بود اما این مهم وابسته به نگاهی هوشمندانه نسبت به تحولات و تعاملات منطقه‌ای است. در شرایطی که هند به شکل جدی خواهان حضور در چابهار است در آن‌سو پاکستان دشمن درجه اول هند اتحاد استراتژیک با رقیب هند یعنی چین دارد؛ افتادن در گرداب اختلافات و رقابت‌های منطقه‌ای در آن‌سوی مرزهای شرقی اضطراب دیگری برای ایران خلق خواهد کرد و سیاست‌گذاران باید به نحوی هوشمندانه آن را مدیریت کنند و گفتمان را بر مدار اقتصاد و سود جمهوری اسلامی تعریف نمایند و خود را از غائله دشمنی و دوستی‌های دیرینه میان این بازیگران دور نگاه دارد.

- تأثیر در توسعه مناسبات

ایران به‌واسطه بندر چابهار عضو دو سازه منطقه‌ای مهم می‌باشد. این دو سازه مهم یعنی

سازه دریای عمان و سازه اقیانوس هند این فرصت را فراهم آورده است که این بندر می‌تواند در سطح وسیع با سه قاره آفریقا، آسیا و اقیانوسیه ارتباط تجاری و ترانزیتی برقرار کرده و این پتانسیل، نیازهای اساسی کشورهای تازه استقلال یافته، همچنین افغانستان و روسیه می‌باشد. (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۱)

هند یکی از مهمترین قدرت‌های رو به ظهور جهانی است که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در مرکز توجه سیاست خارجی ایران قرار گرفته است. این کشور به دلیل برخوردار بودن از منابع قابل توجه انسانی جغرافیایی وسیع و رشد بالای اقتصادی در حال حرکت از پیرامون به مرکز اقتصاد و سیاست جهانی است. از این رو جمهوری اسلامی ایران، هند را به عنوان یکی از شرکای اقتصادی و در مقاطعی سیاسی برگزیده و به این کشور نگاهی ویژه در توسعه روابط خارجی خود داشته است. (سلطانی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۱۷)

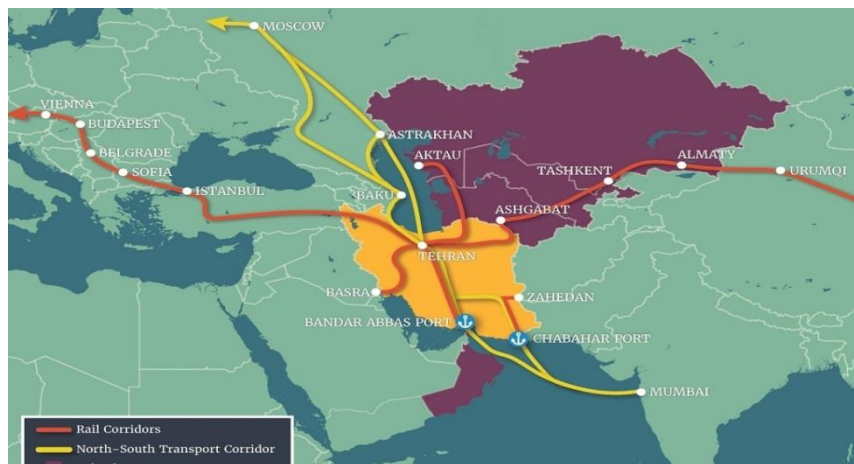
اجمالاً عواملی نظیر: ملاحظات و نگرانی‌های مشترک امنیتی، منافع مشترک در حوزه انرژی، موقعیت مناسب ایران در دسترسی هند به افغانستان و آسیای مرکزی، نقش بندر دریایی چابهار در کریدور شمال - جنوب، منافع و مشارکت (استراتژیکی، اقتصادی و عمرانی در افغانستان از جمله مواردی‌اند که باعث وابستگی متقابل منافع ایران و هنداند و به خودی خود زمینه‌های همکاری و تعامل دو سوپه‌ی دو کشور را فراهم آوردند. همچنین که ایران می‌تواند با فعال کردن چابهار، صرف نظر از مزیت‌های مرتبط با سیاست خارجی و امنیت بین‌الملل، یک امنیت پایدار را در این منطقه سامان دهد. (عسکری کرمانی، ۱۳۹۵: ۲۳)

غیر از صادرات انرژی به هند و پاکستان، ایران می‌تواند به عنوان کشوری که در هر دو کشور از عقبه فرهنگی و تمدنی برخوردار است نقش شایانی در حل و فصل منازعات مرزی و ارضی این کشورها داشته باشد. همچنین کشورهای این منطقه از جمله هند و پاکستان (به نسبت) کشور-هایی روبه توسعه به شمار می‌آیند، باتدبیر و برنامه‌ریزی‌های مناسب می‌توانند بازارهای خوبی برای کالاهای ایرانی باشند. (احمدی، ۱۳۹۴: ۲۳۱-۲۳۲)

ولی به صورت کلی همکاری‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای هند و پاکستان در منطقه جنوب آسیا گرچه وسیع‌ترین حوزه هم تکمیلی اقتصادی سه کشور ایران، هند و پاکستان بوده و ایران برای تأمین منابع مالی برنامه‌های توسعه ملی، نیاز به یافتن بازارهای قابل اتکا و باثبات و مناسب برای منابع نفت و به ویژه گاز خود دارد، اما با توجه به قاعده بازی و حاکم بودن منطق موازنه قدرت در مناسبات کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این امر، پیچیدگی‌ها، فرصت‌ها و چالش‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال داشته است. ژئوپلیتیک چابهار و

فضای جدید ایجاد شده، بازیگران جدید فرامنطقه‌ای را نیز جذب این کریدور خواهد کرد و ممکن است منجر به تشکیل بلوک جدیدی از حلقه‌های تجاری گردد.

از نگاه افغانستان نیز اتصال این کشور به دریای عمان و اقیانوس هند از طریق بندر چابهار اهمیت اقتصادی ویژه دارد، زیرا افغانستان یک کشور محصور در خشکی است که برای رشد اقتصادی خود، دسترسی به آب‌های آزاد را نیاز دارد.



شکل ۱- موقعیت ژئوپلیتیک بندر چابهار (منبع: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران)

از سوی دیگر، جایگاه چین در اقتصاد جهانی و حرکت آرام اما مطمئن آن برای سیطره بر ژئوپلیتیک منطقه در چارچوب یک پروژه این مهم را به اثبات می‌رساند که دنیای آینده دنیای اتصالات و ارتباطات است و اگر کشوری در این دریچه جای مناسب را برای خود تعریف نماید و از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و منطقه‌ای خود بهره‌نگیرد به‌طور قطع از قطار تحولات جا خواهد ماند و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکش نیز فرسوده و مضمحل خواهد شد. در شرایطی که توافقات جدی منطقه‌ای برای نزدیک شدن کشورها در حال انعقاد و اجراست جمهوری اسلامی به‌واسطه دلایل متعدد از فشار بین‌المللی تا بی‌توجهی به روندها از مدار بازی کم‌کم کنار گذاشته شده است و بازیگران نیز حاضر به پذیرش هزینه‌های مراوده با ایران نیستند. غفلت امروز به‌طور قطع، هزینه‌های جدی برای آینده جمهوری اسلامی به‌بار خواهد آورد. در شرایطی که مسیر اصلی یک کمربند یک راه، چین را از مسیر ایران و ترکیه به اروپا متصل می‌کند، در حال حاضر مسیر ایران از اولویت خارج شده و چین از مسیر آسیای مرکزی و روسیه راه دیگری برای اهداف خود گشوده است. اگر این روایت در مورد چابهار و کریدور شمال- جنوب نیز ادامه یابد باید انتظار از میان رفتن ظرفیت‌های ژئوپلیتیک کشور را داشت. از این‌رو، این مقاله درصدد است توجهات را به ارزش فهم درست روندهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تعاملات و

تحولات در جریان جلب نماید و سیاستگذاران و تصمیم‌گیران کشور را به نگاهی بلندمدت و چندبعدی دعوت نماید؛ تحولات و تعاملات بین‌المللی تابعی از هم هستند و انسجام و پیوستگی منافع را می‌توان در گام‌های دیگر بازیگران دید که تمامی سیاست‌ها در حوزه‌های مختلف در یک راستا قرار دارند و این فهم کلان و راهبردی چراغ راه آنان است.

- توسعه محور شرق

توسعه محور شرق یکی از تعهدات دولت جمهوری اسلامی ایران محسوب گردیده و مشتمل بر ارتقاء و ساخت شبکه حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی مطابق استانداردهای بین‌المللی و با محوریت خدمات ترانزیتی می‌باشد. با عنایت به اینکه محور شرق، شبکه‌ای از بزرگراه‌ها و خطوط راه‌آهن بوده و هدف تسهیل ترانزیت به شمال، جنوب افغانستان و کشورهای آسیای میانه را دنبال می‌نماید، لذا توسعه بندر چابهار به عنوان نقطه آغازین این محور مورد توجه جدی سیاست‌گذاران و مقامات بندری کشور می‌باشد.

اهمیت چابهار برای هند چنان جدی است که این کشور نزدیک به سه دهه است که به دنبال توسعه این بندر جنوبی ایران است. در واقع توسعه پروژه چابهار برای این کشور بسیار فراتر از افزایش مناسبات بازرگانی با ایران و صادرات به ایران اهمیت دارد. بندر چابهار می‌تواند نقشی مهم در توسعه تجارت هند با آسیای مرکزی و افغانستان داشته باشد و بیشتر کالاهای هندی از طریق دریا از این بندر به کشورهای افغانستان و آسیای مرکزی ترانزیت شود. هند قصد دارد موافقتنامه‌ای را برای توسعه این بندر با دولت ایران منعقد کند. بر اساس این بیانیه، دهلی نو می‌خواهد ۲ لنگرگاه این بندر را برای مدت ۱۰ سال از ایران اجاره کند. در بیانیه دولت هند آمده است، هند ۸۵/۲۱ میلیون دلار در این بندر سرمایه‌گذاری خواهد کرد. در آن سوی رقابت نیز کشور رقیب، پاکستان است که به شدت با یاری چین در صدد توسعه بندر دریایی گوادر، رقیب اصلی چابهار است. پاکستانی‌ها بر این باورند در صورت پیروزی در این طرح، به سبب منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی آن در بلند مدت، بتوانند مشکلات پیچیده داخلی و خارجی خود را حل کرده و با فاصله دادن بندر چابهار (محور شرق ایران) از رقابت، بتوانند قابلیت‌های استراتژیک و ترانزیتی بندر عباس را در معرض تهدید قرار دهد. مسأله‌ای که یکی از چالش‌های اساسی، محور شرق چابهار و اصولاً جمهوری اسلامی ایران است. (نصیری، ۱۳۸۷: ۳۶۶) با این رویکرد تاکنون قدم جدی از سوی هند برداشته نشده است. ضمن اینکه بندر چابهار فعلاً عقب مانده و به شدت توسعه نیافته است. (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۰)

- تاثیر بر صلح و امنیت بر آبهای منطقه

منطقه عمومی چابهار و پایگاه‌ها و بنادر و تسهیلات ساحلی آن است که می‌توان امنیت دریایی و خطوط کشتیرانی ج.ا. ایران را از اقیانوس هند به سواحل و مرزهای خشکی برساند؛ از طرف دیگر، توسعه یافتگی سواحل عمان می‌تواند امنیت دریایی را به تنگه هرمز و خلیج فارس منتقل نماید تا خارج از دهانه تنگه هرمز، این امنیت پیش از ورود به خلیج فارس صورت پذیرد. این بندر تنها بندر اقیانوس کشور برای پهلوگیری کشتی‌های اقیانوس پیما بوده و از طرفی ضمن رونق تبادلات خارجی و بازرگانی و اقتصادی، با حضور نیروی دریایی و شناورهای سنگین در عمق آبهای آزاد امنیت دریای سواحل دریای عمان تامین میگردد. (رسولی، ۱۳۸۶: ۴۴)

یکی از کارکردهای محیط عمومی منطقه‌ی چابهار برخورداری از قابلیت واپایش بر آب‌های شمال اقیانوس هند (متصل به دریای عمان) دریای عرب و حتی ورودی‌های تنگه باب‌المندب است. این نقش می‌تواند در مواردی دارای کارکرد نظامی بسیار بالایی باشد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی آمریکایی‌ها طبق آموزه‌های نیکسون امنیت دریایی خلیج فارس و دریای عمان را به ایران واگذار کردند تا ژئوپلیتیک اقیانوس هند جلوی نفوذ نیروهای رادیکال و چپ‌گرای وابسته به شوروی را بگیرند. برنامه‌ی آمریکا قبل از انقلاب تقویت نیروی دریایی و هوایی ایران در سواحل جنوبی بود. (زارع نیستانک، ۱۳۹۵: ۵۲۶) برای مثال در بین سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ پایگاه‌های هوایی در بوشهر، بندرعباس، کنارک امید به احداث و در حوزه‌ی دریایی نیز پایگاه‌های بزرگی در خرمشهر، بوشهر، بندرعباس و در چابهار احداث گردید تا ناوهای ایران از خلیج فارس به دریای عمان وصل گردند؛ به تعبیر آمریکایی‌ها قرار بود نیروی دریایی ایران جناحی از ناوگان آمریکا در اقیانوس هند باشد و ماموریت آنها در این مناطق صورت پذیرد. (اعلائی، ۱۳۹۰: ۳)

از سوی دیگر ایران می‌تواند به عنوان کشوری که در بیشتر کشورهای منطقه کشور از عقبه فرهنگی و تمدنی برخوردار است نقش شایانی در حل و فصل منازعات مرزی و ارضی این کشورها داشته باشد. همچنین کشورهای این منطقه از جمله هند و پاکستان (به نسبت) کشورهایی روبه توسعه به شمار می‌آیند، با تدبیر و برنامه‌ریزی‌های مناسب می‌توانند بازارهای خوبی برای کالاهای ایرانی باشند. (احمدی، ۱۳۹۴: ۲۳۱-۲۳۲)

- رقابت در آسیای مرکزی

شکلی از رقابت‌های منفی میان پاکستان، هند و ایران در آسیای مرکزی و خط لوله صلح نیز به نوبه خود می‌تواند بر سیاست خارجی ایران در قبال این کشورها و کشورهای آسیای

تأثیرگذار باشد. بسیاری از کشورها نظیر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، کشورهای هستند که محصور در خشکی می‌باشند و قابلیت این را ندارند تا دسترسی آسان یا مستقیم به راه‌های دریایی بازرگانی بین‌المللی را داشته باشند. (مجتهد زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۵) ژئوپلیتیک دسترسی این توان را دارد تا بسیاری از کشورهای محصور در خشکی را به واسطه همسایگان به تجارت پر سود دریاها وارد کند. از این‌رو دو بندر قادر است نقش ژئوپلیتیک دسترسی را در اتصال کشور-های محصور در خشکی و سایر مسیرهای ترانزیت دریایی به عهده بگیرد.

چالش‌های پیش‌رو

در سالهای اخیر برخی از کشورهای خارجی از جمله هند و افغانستان سرمایه‌گذاری قابل قبولی را برای توسعه بندر چابهار و پس‌کرانه‌های مرتبط انجام داده‌اند، اما به طور حتم ظرفیت‌های این منطقه برای سرمایه‌گذاری بیش از وضعیت کنونی است. با این وجود تحریم‌های موجود علیه ایران یکی از دلایلی است که کشورها و شرکت‌های مختلفی که می‌خواهند در بندر چابهار سرمایه‌گذاری کنند را مردد می‌کند و به همین دلیل آنها احتیاط‌هایی دارند اما تاکنون بیش از ۱۰ کشور در صف سرمایه‌گذاری هستند. همچنین برخی قوانین بالادستی داخلی نیز محدودیت‌هایی برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کرده و به همین دلیل سرمایه‌گذاران خارجی غالباً سعی دارند از طریق کانال‌های ایرانی‌شان این سرمایه‌گذاری‌ها را انجام دهند تا بتوانند بهتر از سرمایه خود منتفع شوند چرا که قوانین داخلی ما برای سرمایه‌گذاری خارجی چندان منعطف نیست. از سویی دیگر سرمایه‌گذاری کشورهای رقیب در بندر گوادر ممکن است دو بندر را عرصه تاخت و تاز سیاست‌های اقتصادی کشورهای سرمایه‌گذار قرار دهد که در نهایت بر رویکرد سیاست خارجی و روابط متقابل دو کشور ایران و پاکستان نیز تأثیرگذار خواهد بود.

با نگاه به ملاحظات و چالش‌های توسعه چابهار چون وعده‌های غیرعملی هند، بوروکراسی اداری هند، چالش اتصال خطوط ریلی و جاده‌ایی به بندر چابهار، روند کند توسعه چابهار در مقابل سرمایه‌گذاری ۴۵ میلیارد دلاری دالان اقتصادی چین و پاکستان، جلوتر بودن روند توسعه گوادر و... برخی از صاحب‌نظران معتقدند چابهار راهی طولانی تا رسیدن به توسعه مدنظر دارد و با طرح دالان اقتصادی چین- پاکستان، چابهار تهدیدی برای پاکستان نخواهد بود. این دیدگاه خوشبینانه معتقد است پاکستان به عنوان متحد راهبردی چین جایگاه برتری دارد و با پایان دالان دو کشور تا سال ۲۰۳۰ سالانه دو و نیم درصد به رشد اقتصادی پاکستان افزوده می‌شود. همچنین درحالی که پکن ۸۰ درصد از هزینه توسعه در گوادر (بیش از ۱/۱ میلیارد دلار) را به شکل اعطای کمک هزینه و وام‌های کم بهره برعهده گرفته است، هند و بازیگران دیگر

چنین توانی را در چابهار نداشته و مشکلات تعهدات خارجی هند و عدم تلاش گسترده ایران برای توسعه بندر چابهار را به سود گوادر پاکستان ارزیابی می‌کنند. از این منظر حتی برخی نقش متفاوتی برای این دو بندر قائل هستند و توسعه هر یک از آنها به ضرر دیگری نمی‌دانند. از این دید تقویت همکاری اقتصادی بین دو بندر بهتر از رقابت منفی است.

تحلیل و نتیجه‌گیری

ژئوپلیتیک انتقادی در قالب شاخه‌ای از نظریه اجتماعی انتقادی به مطالعه روابط بین‌الملل پرداخته و تلاش خود را صرف برداشتن دیوار بین ارزش‌ها و اهداف رسمی جوامع و واقعیت و روشهایی می‌کند که کنش حقیقی نهادهاست. در این روش، جوامع مجبور به مواجهه با این نارسایی‌ها هستند و در نتیجه آگاهی انتقادی که بتواند نیرویی شاخص بر اعمال تغییر باشد، در رفتارهای بین‌المللی توسعه می‌یابد.

بر اساس رویکرد ژئوپلیتیک انتقادی، بندر چابهار با توجه به موقعیت ممتاز جغرافیایی در سطح جهان و نزدیک بودنش به پاکستان، چین، هند و افغانستان بهترین مکان برای فعالیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری تاجران کشورهای منطقه است. بنابراین استفاده حداکثری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و منطقه‌ای این بندر در شرایطی که توافقات جدید منطقه‌ای برای نزدیک شدن کشورها در حال انعقاد است، به یک ضرورت تبدیل شده است. به‌ویژه آنکه این بندر راهبردی در عرصه سیاست خارجی ایران نیز، ظرفیت ایجاد همگرایی با کشورهای آسیای مرکزی و جنوبی را داراست. به طور کلی تاثیر و نقش بندر چابهار در تبیین رویکرد سیاست داخلی و خارجی در دو بُعد قابل ارزیابی است.

الف- در ابعاد داخلی: توجه به ظرفیت‌های بندر چابهار و اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای آن، موجب فراهم شدن زمینه توسعه روابط اقتصادی و تجاری و سیاسی ایران با کشورهای منطقه است. در سطح خردتر، با توجه به روابط ضعیف تجارتي غیرنفتی میان کشورهای منطقه، به دلیل شرایط جغرافیایی مرزها، پیوندهای اقتصادی و تجاری و سیاسی کشورهای منطقه می‌تواند در توسعه و تنوع روابط تجاری و طرح‌های مشترک سرمایه‌گذاری و همگرایی سیاسی موثر واقع شود. بنابراین طراحی یک سیاست داخلی- خارجی کارآمد در جنوب شرق کشور، به منظور فراهم آوردن زمینه‌های توسعه پایدار در منطقه شرق کشور، در گرو اهمیت یافتن مقوله توسعه پایدار و نیز دشواری‌های سیاسی- امنیتی با قدرت‌های بزرگ جهانی است. رونق چنین طرح‌هایی، موجب توسعه پایدار جنوب شرق کشور خواهد شد و سرانجام منجر به برقراری و گسترش رفاه، امنیت در کشور و منطقه شده و بالتبع ایران را تبدیل به یک قدرت منطقه‌ای

متصل به نظام بین‌المللی، می‌نماید. (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

ب- در ابعاد خارجی: دریای عمان جزء حوزه استراتژیک اقیانوس هند و یکی از پنج حوزه استراتژیک جهان است و گذرگاهی با اهمیت به سمت خاورمیانه، جنوب شرق آسیا، شبه قاره، سراسر آسیای جنوبی و جنوب شرقی می‌باشد که روزانه میلیون‌ها بشکه نفت و حجم وسیعی از کالا و سرمایه از این طریق مبادله می‌شود. (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۳) بندر چابهار با دارا بودن، موقعیت خاص استراتژیک و مهم، این قابلیت را دارد تا تبدیل به دروازه و شاهراه اقتصادی آسیای میانه (کریدور تجاری شمال- جنوب) شود. (کیانی‌مقدم و دیگران، ۱۳۹۱: ۱) همچنین این بندر از موقعیت ممتازی در شرق تنگه هرمز و همچنین کرانه‌های دریای عمان و مسیر خطوط مهم کشتیرانی به آفریقا، آسیا و اروپا برخوردار بوده و به عنوان کوتاه‌ترین مسیر ارتباطی و تجاری کشورهای آسیای میانه و افغانستان به بازارهای خلیج فارس، آفریقا و دیگر نقاط جهان مطرح است. بندر گوادر پاکستان نیز در اتصال کشورهای آسیای جنوب شرقی، اتصال کشورهای آسیای مرکزی، ورود به خلیج فارس و افغانستان، نیز به نوبه خود دارای موقعیت ممتازی است. بنابراین این دو بندر قادرند با ایفای نقش‌های مکملی و همگرا در قالب ژئوپلیتیک دسترسی، شرایط حمل و نقل دریایی و توسعه و تجارت منطقه‌ای را رونق بخشند.

این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای تاثیرگذار در منطقه و جهان است. به همین علت رویکرد ایران به تقویت روابط جامع و راهبردی در نگاه به شرق، موجب نگرانی امریکا شده است. زیرا تشکیل ائتلاف‌های شرقی را در تضاد با سیاست یکجانبه‌گرایی خود می‌بیند. ضمن آنکه جایگاه سیاسی- اقتصادی کشورهایی مانند روسیه، چین و هند، این کشورها را در مسیر برقراری روابط ویژه با تهران به مجموعه‌ای تاثیرگذار تبدیل کرده است. تهران نیز مصمم است در چارچوب همکاری‌های متقابل به رغم کارشکنی‌های امریکا، در راستای هم‌افزایی همکاری‌های چند جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری بلند مدت و راهبردی با کشورهای منطقه داشته باشد. در این چارچوب، باتوجه به علاقه کشورهای آسیای مرکزی، افغانستان و هند برای بهره‌گیری بیشتر از ظرفیت‌های بندر چابهار می‌توان نسبت به آینده این همکاری‌ها و تاثیرگذار بودن آن بر تقویت روابط راهبردی چند جانبه امیدوار بود.

بندر گوادر و رقابت آن با بندر چابهار یکی از اساسی‌ترین زمینه‌های تعیین کننده سیاست خارجی ایران در این حوزه می‌باشد. چین در آن بندر همان نقشی را بازی می‌کند که هند در چابهار. بندر گوادر نیز همانند چابهار به یک بندر آب عمیق تبدیل خواهد شد. اما این دو پروژه یک تفاوت بنیادین دارند: رابطه چین و پاکستان شباهتی به رابطه هند و ایران ندارد. پاکستان

در پی تیره شدن روابطش با واشنگتن به دنبال متحد استراتژیک است و این همکاری می‌تواند تا باز کردن پایگاه نظامی برای چین هم ادامه پیدا کند. در مقابل ایران هرگز چنین رابطه‌ای با هند نداشته است. هند سیاست خارجی متفاوتی در خاورمیانه دارد و همزمان روابطش را با همه بازیگران اصلی از جمله عربستان و رژیم صهیونیستی نیز گسترش داده است. به همین دلیل چشم‌اندازی برای ارتقای موقعیت هند به یک متحد استراتژیک برای ایران وجود ندارد و ایران نیز برای چنین ارتباط نزدیکی اصراری ندارد.

همچنین، باتوجه به مزیت‌هایی که پروژه چابهار برای دیگر بازیگران نظیر افغانستان و ازبکستان داراست و آنها را از تنگنای جغرافیایی می‌رهاند ایران باید مسیری را طی کند که این مقامات و نیز شرکت‌های دولتی، خصوصی و صاحبان سرمایه در کشورهای ذی‌نفع به صورت مؤثرتری وارد بازی شوند و پیگیر موفقیت پروژه چابهار باشند.

منابع فارسی

کتاب

- جفری کمپ، رابرت هارکاو (۱۳۸۳)، *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه*، ترجمه سید مهدی حسینی متین، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- غزاله نظیف کار، حسین نوروزی (۱۳۸۲)، *برآورد استراتژیک پاکستان*، چاپ اول، موسسه فرهنگی ابرار
- محمدی، ناصر (۱۳۸۵)، *جغرافیای کشورهای همجوار، پاکستان*، چاپ اول، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران

مقالات

- امیری، عباس (۱۳۹۰)، *تقویت نیروی دفاعی ایران ضامن ثبات سیاسی منطقه است*، مسائل جهان، سال چهارم، شماره ۸
- زهرا احمدی پور، مرجان بدیعی (۱۳۸۱)، *ژئوپلیتیک انتقادی*، مجله مدرس، دوره ششم، شماره چهارم
- زارع نیستانک، محمد (۱۳۹۵)، *تحلیل ظرفیت‌های راهبردی توسعه بندر چابهار*، همایش فرآوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی فرآوری پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی توسعه در کرانه‌های اقیانوسی جنوب شرق کشور، دوره ۱
- زرقانی، سیدهدادی (۱۳۹۱)، *بررسی و تحلیل نقش و جایگاه استراتژیک سواحل مکران*، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران
- سیدمسعود موسوی شفیعی و همکاران (۱۳۹۵)، *دیپلماسی اقتصادی و قدرت‌یابی چین در عرصه جهانی*، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، سال اول، شماره ۲
- سلطانی، علیرضا (۱۳۸۱)، *همکاری منطقه‌ای؛ توسعه بندر آزاد گوادر*، تهران، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل مجمع تشخیص مصلحت نظام
- عزت‌الله عزتی، شمس‌الدین شگری (۱۳۹۱)، *بررسی جایگاه چابهار در ترانزیت شمال - جنوب و نقش آن در توسعه شهرهای همجوار*، فصلنامه جغرافیای سرزمین، زمستان، شماره ۳۶
- عسکری کرمانی، حامد (۱۳۹۵)، *چابهار و منطقه*، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره ۱
- محمدرضا حافظ‌نیا، مرادکویانی (۱۳۸۶)، *نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)*، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد بیستم، شماره ۶
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷) *اهمیت آسیای جنوب باختری در ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم*،

مجله مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال اول، شماره ۲، تابستان و پاییز

- یدالله کریمی‌پور، حمیدرضا محمدی (۱۳۸۹)، تفاوت‌های راهبردی سواحل ایران، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول، زمستان

خبرگزاری

- کیانی، داوود (۱۳۹۱)، چشم‌انداز بحران مالی اروپا و بازتاب‌های آن بر سیاست خارجی اروپا، قابل دسترسی در سایت آفتاب نیوز

پایان نامه

- احمدی، ابراهیم (۱۳۹۴)، ژئوپلیتیک همگرایی و واگرایی منطقه‌ای، مطالعه موردی: ایران و پاکستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

English Resources

- Braden, K. & Shelly, F (2000), **Engaging Geopolitics**, Southwest Texas State University
- Kaplan, Robert D. (2009), **Center Stage for the 21st Century**, Foreign Affairs, March/ April
- Muir, Richard (1997), **Political Geography**, University College of Rion and York St John
- Naray, O (2008), **Commercial Diplomacy: A Conceptual Overview**. World Conference of TPOs The Hague The Netherlands